

گفتگو انتقاد

از نظرسنجی‌ها چه خبر؟

طبیعی بود که با انجام مناظره اول، رشد آرای برخی نامزدها و ریزش برخی دیگر شدت یابد. پس از انجام مناظره روز جمعه چند نظر سنجی با جامعه آماری معتدبه انجام شده که فصل مشترک همه آنها ریزش رأی رئیس جمهور مستقر است. روحانی گرچه در اکثر نظرسنجی‌ها همچنان پیش است اما ۲ اتفاق مهم موجب نگرانی... ادامه در صفحه ۴

در صفحه ۳ این شماره میخوانیم ...

درباب انتخابات ۵ میلیونی

چرا نتنن در فضای انتخاباتی به نفع روحانی است؟

بازی عوض نشده!

تحلیلی کوتاه بر اولین مناظره انتخاباتی و باید‌های مناظره بعد

اولین «نه» محکم به دولت «نداریم»، «نمی‌شود»، «نمی‌توانیم»

اولین مناظره ۶ نامزد انتخابات به خوبی توانست چالش‌های دولت یازدهم را برای دفاع از کارنامه نداشته خود نشان دهد. چرا که حتی حضور جهانگیری و تسلطش به برخی آمارها هم نتوانست مخاطب را نسبت به عملکرد دولت در حوزه اجتماعی (به عنوان موضوع مناظره) اقناع کند. در ساعات پس از مناظره، درباره اینکه برنده مناظره اول چه کسی بود، اظهار نظر زیاد شد، اما همه (حتی کانال‌های تلگرامی حامی دولت در داخل و جریان ضدانقلاب در خارج) اجماع داشتند که بازنده این مناظره یک طرف بیشتر نبود... صفحه ۴



یادداشت

جواد غیثانی

دست و پای حامیان دولت در دفاع از باتلاق اقتصادی

دفاع از عملکرد اقتصادی دولت یازدهم کار آسانی نیست؛ نه تنها آسان نیست بلکه برای منتقد منصف ناشدنی است. یک کارشناس منصف که در کنار برخی دستاوردها، انبوه بی‌عملی‌ها، ولخرجی‌ها، بی‌برنامگی‌ها و اختلافات درونی دولت تدبیر را دیده، نمی‌تواند نمره قبولی به این عملکرد بدهد. کارشناسان دیدند که دولت در حوزه تعریف پروژه‌های عملیاتی اقتصاد مقاومتی ۴ سال... ادامه در صفحه ۲

یادداشت

مرتنض کمال

دو قطب صادق، دوقطبی کاذب

این روزها که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم، شاهد شکل‌گیری دوقطبی‌های گفتمانی مختلفی از سوی نامزدهای حاضر در رقابت‌های انتخاباتی هستیم. مواردی همچون جنگ و صلح، اعتدال و افراط، تعامل جهانی و انزوا درونی، آزادی اجتماعی و فضای امنیتی-قضایی و غیره. اما برآستی آیا این دوقطبی‌های گفتمانی در حال شکل‌گیری که احتمالاً با برگزاری مناظرات... ادامه در صفحه ۲

سر مقاله

امیرحسین یزدان پناه

سیلاب و مزرعه‌ای که باید نجات داد

مزرعه حاصل‌خیزی را در نظر بگیرید که هنوز احداث آن به طور کامل به پایان نرسیده که با اثر کم‌توجهی به خطر بارندگی یا در اثر سیلاب ناگهانی، در معرض سیل قرار می‌گیرد. در حالی که اهالی در خانه استراحت می‌کنند، آب وارد می‌شود و بخشی از مزرعه را تخریب می‌کند و کم‌کم وارد محل زندگی اهالی هم می‌شود و بیم آن می‌رود که سیلاب زیربنای آن خانه که روزگاری با تلاش و همت همه... ادامه در صفحه ۲

سر مقاله
امیرحسین یزدانیسیلاب و مزرعه ای
که باید نجات داد

سیلاب و بحران، ساخت و ساز برای رسیدن به ایده های ناب و اهداف جذاب و عملی اولیه را آغاز کنند. امروز عرصه اقتصادی کشور نیز مشابه همان همان مزرعه حاصلخیز است که با سیلاب ناکارآمدی، بی تدبیری، بی برنامه‌گی و بی عملی مواجه شده است و بیم آن می‌رود که این بحران به سایر عرصه‌ها و تک تک خانه‌ها بیش از پیش کشیده شود. در این شرایط همه کسانی که دلشان برای مردم، انقلاب و کشور می‌سوزد و همه طیف‌های جریان انقلابی باید با کنارزدن اختلاف نظرها فقط به حل بحران بیکاری و معیشتی مردم بپردازند و کار مقابله با این بحران را به تیم و فردی بسپارند که سابقه کارآمد آن‌ها، قوت قلبی است برای مقابله با بحران. در این مسیر اولین شرط و پیش‌نیاز اصلی این است که همه به کسانی که می‌خواهند مقابل این بحران بایستند کمک کنند و بدون از احساسات با همه توان وارد عرصه حمایت و پشتیبانی از آن‌ها شوند، فارغ از این که مثلاً از بین ۲ نفر، علاقه شخصی به کدامیک بیشتر است و کدامیک به شاخص‌های مدنظر هر کس نزدیک تر. تخریب یا نقدهای بی‌جا از هر کدام از کسانی که بنادارند این بار سنگین را به دوش بگیرند، ولو با ایده آل‌های ما کمی فاصله داشته باشند، تضعیف جبهه خودی و تضعیف کسانی است که برای مقابله با بحران وارد این عرصه شده‌اند. در این مسیر البته باید بدون از احساسات با در پیش گرفتن مسیر تبیینی و اقناع کننده به ایجاد وحدت و یکپارچگی و حرکت جریان برای مقابله با بحران‌های ایجاد شده، پشتیبان همه کسانی بودند که دلسوز انقلاب و کشور هستند. طبیعتاً وقتی با سیلاب و سایه بیکاری و مشکلات متعدد معیشتی مقابله شد و مردم با دور شدن از خطر سیلاب بیکاری و معیشتی در مسیر رشد و توسعه قرار گرفتند می‌توان برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف کلان از قبل تعیین شده نظام یعنی «تشکیل دولت اسلامی»، «تشکیل کشور اسلامی» و «تشکیل تمدن اسلامی» با سرعت بیشتر حرکت کرد، ان شاء الله.

مزرعه حاصل خیزی را در نظر بگیرید که هنوز احداث آن به طور کامل به پایان نرسیده که یا در اثر کم توجهی به خطر بارندگی یا در اثر سیلاب ناگهانی، در معرض سیل قرار می‌گیرد. در حالی که اهالی در خانه استراحت می‌کنند، آب وارد می‌شود و بخشی از مزرعه را تخریب می‌کند و کم‌کم وارد محل زندگی اهالی هم می‌شود و بیم آن می‌رود که سیلاب زبربنای آن خانه که روزگاری با تلاش و همت همه اعضای خانواده ایجاد شده و در حال تکمیل بود از بین برود. این خانواده و مزرعه حاصل خیز آن‌ها در معرض خطر جدی و یک بحران واقعی قرار گرفته‌اند و باید برای بیرون رفتن از این وضعیت کاری بکنند. از طرفی هنوز احداث مزرعه آن‌ها به پایان نرسیده و ایده‌هایی که این خانواده از ابتدا برای مزرعه شان داشتند ناتمام مانده است و از سوی دیگر آب وارد خانه شده و بیم ورود به اتاق‌ها و... می‌رود؛ در این شرایط اولویت کدام است؟ آیا باید بدون توجه به آبی که وارد خانه شده به دنبال ادامه طراحی و ساخت و سازهای مزرعه براساس ایده‌ها و طرح‌های قبلی که از قضا اهدافی بسیار عالی و قابل دستیابی و متحول کننده است، بروند؟ یا فعلاً بدون آن که کاری خلاف آن ایده‌ها و اهداف انجام دهند تلاش کنند تا مقابل ورود سیلاب بایستند و با بحران مبارزه کرده و پس از مهار این بحران به ادامه ساخت و ساز مزرعه شان باشند؟

طبعاً پاسخ منطقی تر و واقع بینانه تر این است که بدون دور شدن از ایده‌های اولیه، بحران را کنار بزنند. در این مرحله باید با از خودگذشتگی برای مقابله با بحران ابتدا عمق بحران را درک کرد، سپس کار مقابله با بحران سیلاب که کل مزرعه و اهالی را تهدید می‌کند را به فرد یا تیمی که می‌تواند این کار را انجام دهد و سابقه مقابله با چنین بحران‌هایی دارد، سپرد و سوم اینکه همه کسانی که دلسوز آن خانه، اهالی آن و مزرعه زیبا هستند هم‌دور از احساسات و احیاناً اختلاف دیدگاه‌های کوچک و حتی بزرگ به آن فرد یا آن تیم کمک کنند تا بتوانند به سرعت با غلبه بر

یادداشت

جواد غیاثی



دست و پای حامیان دولت در دفاع از باتلاق اقتصادی

دفاع از عملکرد اقتصادی دولت یازدهم کار آسانی نیست؛ نه تنها آسان نیست بلکه برای منتقد منصف ناشدنی است. یک کارشناس منصف که در کنار برخی دستاوردها، انبوه بی‌عملی‌ها، ولخرجی‌ها، بی‌برنامه‌گی‌ها و اختلافات درونی دولت تدبیر را دیده، نمی‌تواند نمره قبولی به این عملکرد بدهد.

کارشناسان دیدند که دولت در حوزه تعریف پروژه‌های عملیاتی اقتصاد مقاومتی ۴ سال به دور خود چرخید و اکنون نیز برنامه مشخصی ندارد؛ سال ۹۳ گفتند ۶۸۷ برنامه داریم. این برنامه‌ها بدون اجرا به پایگانی رفت. سال ۹۵ دوباره ۱۲۱ برنامه طراحی شد و با سروصدار رسانه‌ای شد. کارشناسان برجسته کشور بعداً گفتند که دولت تا نیمه ۹۵ از آنها درباره درستی برنامه‌ها و اولویت بندی درست نظرخواهی می‌کرده است! ۹۵ تمام می‌شود و خبری از اجرای ۱۲۱ پروژه و گزارش کار نیست. سال ۹۶ دوباره برنامه قبلی فراموش می‌شود و دولت این بار یک بسته ۲۳۲ بندی ارائه می‌کند که هیچ تناسبی با قبلی ندارد.

دولت همین سردرگمی را در ۶ بسته اشتغال و ۴ برنامه خروج از رکود خود هم داشت؛ اصلاً عملکرد در اجرای بسته‌ها به کنار؛ یک دولت ۴ ساله و ۶ طرح اشتغالی؟ اضافه کنید ولخرجی دولت در هزینه‌های جاری و رشد افسار گسیخته این هزینه‌ها (حتی بیش از دوبرابر نرخ تورم) در روزهایی که قیمت نفت نصف شده و بودجه عمرانی کمتر از ۴۰ درصد تحقق می‌یابد! موضوعاتی که بارها صدای بسیاری از طرفداران سیاسی دولت را هم درآورد. مگر می‌شود از عملکرد اقتصادی دولتی دفاع کرد که وزیر صنعت و رئیس کل بانک مرکزی همان دولت بر سر مقصر شکست برنامه خروج از رکود با هم بگومگو کردند؟ در این میان اما نزدیک شدن به انتخابات باعث شده برخی چشم بر این بی‌عملی‌ها و کرختی‌ها و ولخرجی‌ها و اختلافات ببندند و آسمان و ریسمان بیاوند و به دولت نمره قبولی بدهند. مثلاً از رشد تولید خودرو یا صادرات متانول - که نوعی خام‌فروشی است - بگویند. البته همانگونه که گفته شد دولت دستاوردهای مثبتی چون کاهش نرخ تورم داشته، اما با ارزیابی ۴ سال فرصتی که صرف شده بسیار ناچیز است؛ به همین خاطر است که اخیراً برخی فعال شده و کارنامه نامتجانسی برای دولت درست کرده‌اند که در آن از رشد صادرات مس هست تا حتی پروژه شکست خورده کاهش نرخ سود بین بانکی! تلاشی که البته مذبحانه است تا از باتلاق کارنامه اقتصادی دفاع کند.

یادداشت

مرتضی کامل



دو قطب، صادق، دو قطب، کاذب

این روزها که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم، شاهد شکل گیری دو قطبی‌های گفتمانی مختلفی از سوی نامزدهای حاضر در رقابت‌های انتخاباتی هستیم.

مواردی همچون جنگ و صلح، اعتدال و افراط، تعامل جهانی و انزوا درونی، آزادی اجتماعی و فضای امنیتی-قضایی و غیره. اما برآستی آیا این دو قطبی‌های گفتمانی در حال شکل گیری که احتمالاً با برگزاری مناظرات زنده تلویزیونی، تقویت و با تلاش بیشتری تبلیغ خواهد شد، واقعی و در سطح جامعه دارای ریشه و عقبه است؟ یا اینکه مطرح کنندگان این دوگانه‌های گفتمانی که عمدتاً رییس دولت یازدهم و اعضای کمپین انتخاباتی او هستند، با هدف تصویر سازی منفی و ایجاد نگرانی عمومی از موفقیت احتمالی رقیب، دست به طرح چنین موضوعاتی می‌زنند؟

این در حالی است که می‌توان از دسته دیگری از دو قطبی‌های گفتمانی همچون اقتصاد درون‌زا و اقتصاد وابسته، مدیریت جهادی و میدانی و مدیریت سلطانی و بخشنامه‌ای، دولت حرف و شعار و دولت عمل و اقدام، کابینه خدمتگزار و پاسخگو و کابینه پیر و تندخو نام برد. شاخص واقعی بودن این دسته از دو قطبی‌ها این است که مبتنی بر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور است.

در شرایطی که به استناد آمار و نظرسنجی‌ها و حتی اذعان مسئولان دولتی مسئله اول مردم و کشور بیکاری و رکود اقتصادی و تعطیلی تولید در کشور است، طبیعتاً در فضای رقابت‌های انتخاباتی باید سراغ موضوعات اقتصادی و راهکارهای بیرون رفتن از این مشکل برویم و ببینیم نامزدها در این خصوص چه ایده‌ها و برنامه‌هایی دارند. این در حالی است که رییس دولت یازدهم و نامزد دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با آگاهی کامل از اشکالات بنیادین دولت و ناتوانی در حل مسائل اساسی کشور در صدد تغییر صورت مسئله از مشکلات واقعی مردم و دو قطبی‌های صادق به سمت تهدیدهای فرضی خود و دو قطبی‌های کاذب است.

ظاهراً نمایش تصویری منفی از رقیب برای مردم با ایجاد چنین زمینه‌هایی، برای دولتی که جز شعار و سپس انکار و فراموشی کاری بلد نیست تبدیل به رویه شده است اما به نظر می‌رسد با گذشت چهار سال از بکارگیری این ابزارها، این بار طرح مسائلی چون حمله گاز انبری و ترسیم سایه تهدیدات نظامی و تلاش برای امنیتی و قضایی جلوه دادن چهره رقیب برای پیش برد اهداف انتخاباتی راهگشا نباشد.

یادداشت

درباب اشتغال ۵
میلیونی

مهدي حسن زاده

که گاهی مجبوریم این حفاری را در بستر دریا انجام دهیم که هزینه بسیار زیادی در پی دارد. با این حال هزینه ایجاد شغل در بخش هایی نظیر کشاورزی به نسبت صنعت کمتر و در بخش خدمات از سایر بخش ها نیز کمتر است. به عنوان مثال با هزینه چند میلیون تومانی به ازای هر نفر می توان یک کسب و کار اینترنتی ایجاد کرد.

با این حال نکته امیدبخش برای اشتغال زایی در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات این است که بسیاری از واحدها به ویژه در بخش صنعت با ظرفیتی کمتر از ظرفیت واقعی فعالیت می کنند. به عنوان مثال یک واحد قطعه سازی که تأسیسات و خط تولید نصب شده معادل ۲۰۰ نفر دارد، در عمل به دلیل کمبود سرمایه در گردش و بدهی بانکی و دیگر مشکلات با ۱۰۰ نفر نیروی کار به فعالیت ادامه می دهد. آمارها نشان می دهد که بخش صنعت با ظرفیت حدود ۵۰ درصدی به فعالیت ادامه می دهد و با فرض اضافه شدن ۳۰ درصدی به ظرفیت فعال این بخش، می توان بیش از یک میلیون شغل در بخش صنعت ایجاد کرد. به این ترتیب می توان با هزینه پایین و با گشایش های بانکی و مالیاتی در این بخش اشتغال قابل توجهی ایجاد کرد.

طی روزهای اخیر در مباحث انتخاباتی بحث ایجاد شغل، میزان آن و راهکارهای آن مطرح بوده است. در این میان برخی نامزدها از وعده اشتغال یک تا یک و نیم میلیونی در سال سخن گفته اند. با حال تشکیک هایی درباره این میزان ایجاد شغل مطرح شده، آمارهایی هم از هزینه ایجاد هر شغل مطرح شده، اما نکته مهم درباره هزینه ایجاد هر شغل این است که اشتغال زایی در بخش های مختلف زمینه های بسیار متغیر و متفاوتی دارد.

در برخی صنایع مادر و بزرگ، بعضاً حتی هزینه میلیاردي به ازای ایجاد هر شغل وجود دارد اما در صنایع میانی هزینه حدود ۱۰۰ میلیونی و در صنایع کوچک با هزینه کمتر از ۲۰ میلیون و ۱۰ میلیونی می توان شغل ایجاد کرد. در این میان باید دقت داشت که هزینه ایجاد شغل در صنعت به معنای ایجاد تأسیسات صنعتی از سوله تا خط تولید و خرید تجهیزات است که هر چه صنعت مذکور کوچکتر باشد تأسیسات مذکور کوچکتر است.

به عنوان مثال در صنعتی نظیر کفش و پوشاک با یک واحد کوچک خانگی و نه سوله بزرگ می توان شغل ایجاد کرد، اما در صنعت نفت نیاز به حفاری در میداین نفتی و گازی است



یادداشت

مصطفی غلام زاده

چرا تنش در فضای انتخاباتی به نفع روحانی است؟

بسیار سریع عصبانی می شود می تواند بخشی از آرای وی را نیز کاهش دهد و یا با گفتن یک جمله طلائی (مانند سال ۹۲ و جمله مربوط به حمله گاز انبری) وی را ناک اوت کند. تنش برای کشور سم مهلکی است که می تواند پس از انتخابات نیز ادامه یابد، مانند آنچه در ۸۸ رخ داد. در واقع باتوجه به هیجان موجود در انتخابات و تجمع انرژی های خفته درونی می توان از این توان جمع شده علیه آرامش و ثبات کشور استفاده نمود. لذا افزایش تنش در فضای کشور ایجاد یک احتمال قوی علیه امنیت عمومی کشور است.

علت مشکلات اقتصادی مطالبه داشته باشند. اما اگر فضای کشور ملتهب شود و مسئله سیاست مسئله اول کشور شود، امر اقتصادی به حاشیه می رود و مطالبه گری اقتصادی ناممکن می شود. لذا هر چه تنش بیشتر شود رأی خاکستری بیشتری برای روحانی جمع خواهد شد و هم مطالبه گری اقتصادی ناممکن. جبهه انقلابی باید فضا را آرام کند و مسئله اقتصادی را به عنوان مهم ترین موضوع مطرح کند و درباره تیکه های سیاسی طرف مقابل کاملاً بی توجه نشان دهد، در کنار این به آرامش دعوت کردن کسی مثل روحانی که

ثانیاً چنین اظهاراتی طبیعتاً در رأی منفی جریان انقلاب به روحانی تأثیری نداشته و آن را به رأی مثبت تبدیل نمی کند. از طرف دیگر در میزان رأی موافقین سرسخت روحانی نیز تأثیر چندانی نخواهد داشت (گرچه هر ۲ را در هیجان و انرژی خود مستعدتر می کند ولی در تعداد رأی اثری ندارد) اما می تواند با تنش آلود کردن فضا رأی خاکستری زیادی را بر اثر هیجان و احساس به سید روحانی بریزد. همچنین باتوجه به استقرار حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور، دیگر نامزدهای انتخابات می توانند از وی به

دکتر روحانی در نخستین سخنرانی انتخاباتی خود در قزوین گفته است «من در راستای عمل به وعده هایم از هیچ احدی نخواهم ترسید.» طبیعتاً افزایش ادبیاتی با این لحن از سوی روحانی، واکنش احتمالی جبهه انقلابی را بر خواهد انگیزد. این واکنش چه باید باشد؟ به نظر می رسد نباید به این سخنان واکنش نشان دهد و حتی اساساً نباید اقدام به انتشار آن نمود. اولاً چنین پیام هایی موجب تنش آلود شدن فضا می شود که آسیب آن برای کشور باقی خواهد ماند.

سعید حجاریان در انتخابات مجلس در اسفند ۹۴ با رونمایی از دوقطبی انتخاباتی از دوگانه اصلاحات و اعتدال گفته بود مجلس دهم تنها ۲ فراکسیون خواهد داشت: برجامیان و نابرجامیان! با آنکه تنها ۴۰ روز از آغاز اجرای برجام می گذشت و هنوز چشمان امیدوار به افتتاح اقتصادی بسیار بودند، آن ترغیب به سختی توانست حدود نیمی از کرسی های مجلس را از آن هوادارانش کند. حالا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در اردیبهشت ۹۶ به طور چشم گیری از خوشبینی به ثمرات عینی و فوری برجام برای گشایش در کار مردم کاسته شده است.

فرا تر از آن، هم در توانایی دولت برای بهره گیری از فرصت برجام موجود در تولید و اشتغال تردیدهای جدی پدید آمده و هم در شایستگی آن برای صیانت از برجام در برابر عهد شکنی طرف مقابل. در حالی که هیچ یک از رقبای رئیس جمهور اصل برجام را به چالش نکشیده اند، او مجبور است به این زمینه ذهنی پرنرنگ در افکار عمومی واکنش نشان دهد و به آن دامن بزند. اگر رقبای انتخاباتی روحانی تا انتها نخواهند به برجام بپردازند، او زمینه انتخاب مجدد را از دست می دهد. بازی عوض شده و تأکید روی کارآمدی در اقتصاد و معیشت، پیروزی را از دسترس دوقطبی سازها دور تر می کند.



بازی عوض تنده

مصطفی غلام زاده

از نظرسنجی ها چه خبر؟

طبیعی بود که با انجام مناظره اول، رشد آرای برخی نامزدها و ریزش برخی دیگر شدت یابد. پس از انجام مناظره روز جمعه چند نظرسنجی با جامعه آماری معتدنه انجام شده که فصل مشترک همه آن ها ریزش رأی رئیس جمهور مستقر است. روحانی گرچه در اکثر نظرسنجی ها همچنان پیش است اما ۲ اتفاق مهم موجب نگرانی جریان حامی دولت شده است؛ اول این که فاصله او با نفر دوم یعنی قالیباف کم و کمتر شده است. فاصله نفر اول و دوم در برخی نظرسنجی ها بیش از ۱۰ درصد و در برخی نظرسنجی ها تا کمتر از یک درصد هم رسیده است.

اتفاق دومی که رخ داده افزایش جمع آرای رئیسی و قالیباف است که در بیشتر نظرسنجی ها از رأی روحانی فاصله گرفته و پیش افتاده است. همچنین رشد آرای جهانگیری و قالیباف پس از مناظره اول جالب توجه بوده، اما همچنان جهانگیری در بین ۴ نامزد اصلی انتخابات، با فاصله زیادی در جایگاه چهارم است. اما آنچه از آخرین نظرسنجی ها برمی آید همچنان رأی منفی رئیس جمهور است. به این معنا کسانی که گفته اند قطعاً به روحانی رأی نمی دهند همچنان دامنه وسیعی از مخاطبان را تشکیل می دهند که همین موجب نگرانی جریان حامی دولت و اصلاح طلب شده است. از سویی دیگر بازار نظرسنجی های تلگرامی هم همچنان داغ است. در یک نمونه که توسط یک کانال تلگرامی با رویکرد اصولگرا و با جامعه آماری حدود ۱۰ هزار نفری انجام شده شده، حدود ۴۶ درصد مخاطبان قالیباف را پیروز مناظره اول می دانند. در یک نظرسنجی تلگرامی دیگر ۳۹ درصد شرکت کنندگان یعنی حدود ۱۳۰۰۰ نفر تأکید کرده اند که قطعاً به رئیس جمهور کنونی رأی نمی دهند. همچنین در نظرسنجی مؤسسه افکارسنجی ایران پل کانادا که چند هفته پیش انجام شد، ۲ نامزد جریان انقلاب بیش از سایرین ظرفیت رأی آوری داشتند.

نتاخص



[نامزدهای انتخابات] قول بدهند که به مسئله اقتصاد - که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است - به خوبی خواهند پرداخت؛ قول بدهند حاشیه سازی نمی کنند؛ قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت؛ قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد. بعضی با این تحلیل غلط که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را بر منافع ملت ترجیح می دهند؛ این اشتباه است.

(بیانات در مراسم سالروز رحلت امام خمینی ۱۴ خرداد ۹۲)



تحلیل

امید ادریب

تحلیلی کوتاه بر اولین مناظره انتخاباتی و پایداریهای مناظره بعد

اولین «نه» محکم به دولت

«نداریم»، «نمی نتواند»، «نمی توانیم»



اولین مناظره ۶ نامزد انتخابات به خوبی توانست چالش های دولت یازدهم را برای دفاع از کارنامه نداشته خود نشان دهد. چرا که حتی حضور جهانگیری و تسلطش به برخی آمارها هم نتوانست مخاطب را نسبت به عملکرد دولت در حوزه اجتماعی (به عنوان موضوع مناظره) اقناع کند. در ساعات پس از مناظره، درباره اینکه برنده مناظره اول چه کسی بود، اظهار نظر زیاد شد، اما همه (حتی کانال های تلگرامی حامی دولت در داخل و جریان ضدانقلاب در خارج) اجماع داشتند که بازنده این مناظره یک طرف بیشتر نبود؛ دولت «نداریم» و «نمی شود» و مخصوصاً شخص رئیس جمهور که در طول مناظره در گوشه رنگ به انفعال و دفاع های پراکنده و ضدتبلیغی روی آورده بود. تحلیل های درباره مناظره جمعه زیاد است، اما چند نکته باید مورد توجه نامزدهای جبهه انقلاب قرار گیرد تا روند موفقیت کنونی دنبال شود.

تعریف بلوک مقابل دولت

جریان انقلابی چه در ادبیات صریح قالیباف و چه در اظهارات ملایم تر رئیسی به خوبی توانست، خود را به عنوان آلترناتیو دولت فعلی و قطب مقابل انتخابات معرفی کند. اگر بخشی از مردم تا پیش از مناظره اول بر اساس یک سنت غلط، رئیس جمهور را ۲ دوره ای تصور می کردند، اکنون به شدت در حال تجدیدنظر در این باور هستند. همچنین باید به تأکید هر ۲ نامزد جبهه انقلاب به «مردم» اشاره کرد. تکیه برخاسته از صداقت و نه تصنعی هر ۲ نفر بر مفاهیمی چون ۹۶ درصدی ها، فقرا، مستضعفین، حاشیه نشین ها و... نشان دهنده اهمیت به ولی نعمتان حقیقی انقلاب است.

باید سراغ موارد ایجابی رفت

شکی نیست که تجربه مردم بر اثر انتخابات های متعدد بالا رفته است. بنا به همین تجربه، بخشی از مردم (البته نه اکثریت) به واکاوی برنامه های نامزدها خواهند پرداخت و تنها به وعده ها و شعارها اکتفا نخواهند کرد. از این رو، هر ۲ نامزد جریان مؤمن باید منابع خود برای طرح های اقتصادی را به صورت کلی مشخص کنند، برنامه های دقیق خود را برای اصلاح ساختارهای فسادزا اعلام کنند، راهبردهای خود در سیاست خارجی را تنظیم کنند و برای سایر شؤون اجرایی کشور، حرف هایی عینی و ملموس برای گفتن داشته باشند.

صراحت و متانت در کنار هم

هم صراحت لازم است و هم در عین حال متانت. در مناظره هفته گذشته به نوعی هر ۲ وجود داشت. با این حال در مناظره های پیش رو باید تلاش کرد در عین حال که نقدهای بی شمار موجود به دولت مطرح می شود، از جاده متانت خارج نشد. چه این که در این صورت تنها زمینی برای حریف فراهم می شود تا با حاشیه سازی از پاسخگویی فرار کند.

نقشه راهی برای ادامه مسیر

۲ روز بعد از مناظره روز جمعه، رهبر انقلاب در دیدار کارگران، چند توصیه به نامزدهای انتخابات داشتند که با مرور این توصیه ها حقانیت جریان انقلابی در مفاهیمی که تاکنون سر دست گرفته، روشن می شود. ایشان در توصیه های خود، خدایی کردن نیت و تلاش برای خدمت به مردم بویژه طبقات ضعیف، اعلام صریح حمایت از قشرهای ضعیف، عهد با خدا برای رعایت اولویت ها، کار انقلابی و جهادی و در نهایت رعایت نظم در کنار آن را از مهمترین توصیه های خود بر شمردند. ضروری است که ۲ نامزد منتسب به جبهه مردمی باید خود را در ادامه متعهد به این راهبردها بدانند.

وحدت و ما ادرک ما الوحدت

در کنار توجه به همه آنچه گفته شد، باید دقت کرد که وحدت نیروهای انقلابی تا پایین ترین رده های ممکن، از ضروری ترین ضروریات این دوره از انتخابات است. این وحدت در صورتی که سازوکار جبهه مردمی تصمیم گرفت هر ۲ نامزد تا پایان در رقابت بمانند، بسیار مهمتر می شود. کوچکترین اظهار نظری علیه نامزد دیگر جریان انقلاب، موجب فراهم شدن بستری برای رشد منویات دولت مستقر می شود. حرف اول و آخر طرفداران هر ۲ نامزد باید تغییر وضع موجود در مدیریت کشور باشد. حرف اصلی، رفتن دولتی است که کارنامه اش سرشار از «نمی شود، نداریم و نمی توانیم» است. این دولت، اولین «نه» را در مناظره نخست انتخابات و پس لرزه های بعدی آن شنید. ادامه این مسیر علاوه بر هوشیاری نامزدهای انقلاب، نیازمند هوشمندی بدنه انقلابی نیز هست، توجه به اینکه ضعف مفرط حریف، بستر اصلی وحدت در این دوره از انتخابات است و نه لزوماً یکی بودن همه سلاقی و همه راه حل ها.